

روز سی و هشتم: جمعه هفته ششم

پس چون بدیشان گفت: «من هستم» برگشته، به زمین افتادند. یوحنا ۱۸: ۶

عیسی در تمام مراحل دستگیر شدن و مصلوب شدن تسلط کامل داشت. در شب جمعه صلیب، وقتی دعای خود را به پایان رساندند به کوه زیتون رفتند. عیسی در آن زمان چهره‌ای شناخته شده بود؛ همه درباره‌ی او صحبت می‌کردند و بسیاری می‌دانستند او چه کسی است ولی گویی کاهن اعظم و فریسیان نیاز به راهنمایی داشتند. عیسی برجسته‌ترین چهره‌ی مذهبی آن زمان محسوب می‌شد ولی آنان هرگز او را ندیده بودند. همین موضوع غرور فراوان کاهنین و فریسیان را نمایان ساخته و شخصیت عیسی را بهتر نشان می‌دهد. او به هیچ وجه در پی تأیید رهبران مذهبی آن دوران نبود و هرگز خود را به آنان نمایان نساخت. او از سمت خداوند تأیید شده بود و نیازی به تصدیق فقهای مذهبی نداشت. او به جای این کار، زمانش را با مردم عادی سپری می‌کرد؛ افرادی که در مزرعه کار می‌کردند یا گوسفندان را می‌چراندند و یا از بیماری رنج می‌بردند. برای او مهم بود که آنان بفهمند خداوند چه کسی است. آنانی که می‌خواستند خداوند را بشناسند ولی به خاطر سیستم موجود به راحتی قادر به انجام آن نبودند، برای او از اهمیت خاصی برخوردار بودند. عیسی کاری را انجام داد که خدا فکر می‌کرد برای دنیا بهتر است؛ ساختار مذهبی حاکم، مغایر با اراده‌ی خداوند برای او بود و به همین دلیل خودش را زیر اقتدار آنان قرار نداد.

زمانیکه سربازان و رهبران مذهبی به باغ رسیدند، دیر وقت بود. آنان مشعل، فانوس و سلاح همراه خود داشتند. شهر اورشلیم به خاطر عید فصح بسیار شلوغ بود و چون تعداد زیادی از افراد سطح متوسط جامعه عیسی را دوست داشتند، آنان می‌ترسیدند شورش به وجود آید و یا عیسی بخواهد فرار کرده و جایی مخفی شود. ولی عیسی این کار را نمی‌کند بلکه در عوض با دانش نسبت به رسیدن آنها، به سراغشان رفته و می‌پرسد به دنبال چه کسی هستید. او کاملاً بر اوضاع مسلط است و می‌داند چه اتفاقی در حال رخ دادن است. در اکثر دستگیری‌ها، شرمساری و سرافکندگی وجود دارد ولی این برای عیسی صدق نمی‌کند بلکه او با دلیری خود را تسلیم کرده و می‌گوید "من هستم".

"من هستم" یادآور روشی است که خداوند در تورات برای اشاره به خود استفاده می‌کند. زمانیکه خداوند در آن بوته مشتعل با موسی ملاقات کرد و موسی اسم خدا را پرسید، خدا گفت "من هستم" (خروج ۳: ۱۴). سربازان و رهبران مذهبی به عقب رفته و بر روی زمین می‌افتادند. به زمین افتادن در مقابل خداوند عکس العمل مناسبی است که شخص می‌تواند در مقابل خدای مقدس انجام دهد ولی در اینجا مشخص است که این افراد گیج شده‌اند. آنان به عقب می‌روند! این بیشتر یک عکس العمل نظامی است! شاید تصور کردند که او می‌خواهد به آنها حمله کند. سپس به زمین می‌افتد و عملی را انجام می‌دهند که شخصی در مقابل خدای زنده انجام می‌دهد. اگر آنان کاملاً فهمیده بودند که عیسی چه کسی است، او را دستگیر نمی‌کردند بلکه همانطور روی زمین مانده و پرستش می‌کردند. خداوند اجازه داد آنها سردرگم شوند! اگر اینطور نمی‌شد، او را دستگیر نمی‌کرده و مصلوب نمی‌ساختند و راهی برای گناهکارانی چون ما به وجود نمی‌آمد تا بتوانیم خدا را صمیمانه‌تر بشناسیم. در تمامی این اتفاقات عیسی کنترل اوضاع را در دست دارد؛ او انتخاب کرد که مصلوب شده و برای ما گناهکاران جانش را فدا کند. او در همین مسیر نشان داد که چه کسی است؛ او عظمت "من هستم" را به نمایش گذاشت. در دستگیری و مصلوب شدن عیسی می‌توان صفات خداوند را مشاهده نمود. این مهمترین آشکارسازی خداوند برای انسان در تاریخ بشر است. ما باید صرف زمان و صحبت کردن پیرامون مرگ و قیام عیسی مسیح را تبدیل به عادت برای خودمان کنیم.

متن‌های پیشنهادی برای مطالعه:

یوحنا ۱۸: ۱-۱۱

پرسشها برای اندیشیدن:

کدام صفات خداوند را می‌توان در دستگیری عیسی مشاهده نمود؟

آیا به دنبال تأیید شدن از طرف مردم هستم یا از از طرف خداوند؟

دعا:

ای خداوند عیسی! برای اینکه تصمیم گرفتی به روی صلیب بروی از تو سپاسگزارم. برای نمایان ساختن خدا و نشان دادن عشق، قدوسیت و فیضش به گناهکاران و مردم متوسط جامعه از تو متشکریم. لطفاً چشمانمان را باز کن تا بتوانیم تو را کامل‌تر ببینیم. آمین!